

مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی

آیت‌الله محمدعلی تسخیری^۱

چکیده

جهان اسلام در پرتو سیستم جهانی جدید به نام جهانی سازی با حالت تازه‌ای از تعامل غرب روبه‌رو بوده و در معرض زیان این پدیده قرار دارد. جهانی سازی تعریف مبهم و پیچیده‌ای دارد؛ برخی آن را به معنای دخالت در امور اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع دیگر دانسته‌اند. برخی نیز آن را به تحول سرمایه‌داری و حاکمیت یک سیستم جهانی نابرابر و در نهایت، به برچیدن مرزها و برجسته‌نمودن مشابهت‌های موجود در جوامع بزرگ و تحمیل روش زندگی آنان بر دیگران معرفی نموده‌اند. نگارنده در این نوشتار با بر شمردن پیامدهای منفی این نوع جهانی سازی، یعنی سیطره قدرت‌هایی بزرگ بر جریان اقتصادی، رسانه‌ای و فرهنگی جهان، موانع موجود بر سر راه جهانی سازی یک جانبه‌ای آمریکا را بررسی کرده و با بیان ویژگی‌ها و عناصر جهان‌مداری اسلامی، به تمایز آن با جهانی سازی غربی پرداخته است. در پایان نیز ضمن بررسی اوضاع امروز امت اسلامی در مقایسه با صدر اسلام، موضع امت اسلامی و گام‌های عملی‌ای که باید در برابر جهانی سازی در سطح جهانی و جهان اسلام بردارد، بیان شده است.

کلید واژه‌ها: مشکلات جهان اسلام، جهانی سازی، امت اسلامی، جهانی سازی غربی، گام‌های عملی.

مقدمه

همه جهان از جمله جهان اسلام در پرتو سیستم جهانی جدید که به نوبه خود مظهر بزرگی از جنبش فراگیر جهانی سازی بوده با حالت تازه‌ای از تعامل غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا روبه‌رو گردیده است، که این مسئله همگان را وادار می‌کند تا نسبت به مواضع خود تجدیدنظر کنند، زیرا همه زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی فولکلورهای مردمی جهان در معرض خطر این خیزش بزرگ و فراگیر قرار گرفته است.

۱- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

ما نیز بر این باوریم که جهان اسلام بیش از سایر بخش‌های جهان در معرض زیان این پدیده قرار گرفته است، چون جهانی‌سازی وحشی - به گفته خود غربی‌ها - روی آن تمرکز دارد. استراتژی‌های تهیه شده در پرتو این سیستم با صراحت به آن اشاره دارد (نظیر استراتژی آمریکا در سال ۱۹۹۷). بلکه ما تقریباً یقین داریم که با توجه به تمرکز فشارهای نظامی، فرهنگی و اقتصادی علیه ما و حرکت پروژه‌های استعماری نوین در این راستا هم‌چون طرح خاورمیانه بزرگ که در بر گیرنده جهان اسلام و اطراف آن است، این حمله در درجه نخست متوجه ما می‌باشد.

و با توجه به این که منابع انرژی و یا مکان‌های راهبردی بی‌نظیر و یا نیروی انسانی و یا حرکت تمدنی ایدولوژی اسلامی ما با بسیاری از ارزش‌ها و معیارهای تمدنی غرب متناقض می‌باشد اکنون غرب با چالش‌های بزرگی روبه‌رو است.

علاوه بر این، قرن‌های زیادی از کشمکش و تبادل نقش‌های احراز پیروزی نظامی میان طرفین وجود داشته است و زمانی جهان اسلام به قلب غرب گسترش می‌یافت و گاهی اشغال غرب متوجه همه جهان اسلام می‌گردید و هیچ منطقه‌ای از آن دور نبوده است.

همه این رویدادها باعث پیدایش یک کینه تاریخی و یک حالت روانی شده بود که تأثیر خود را بر استراتژی‌های طرفین در نگرش به یک‌دیگر گذاشته است و حتی در زمینه نظریه‌پردازی تاریخی و تجزیه و تحلیل علمی که رنگ موضوعی داشته و حتی ضرورت تاریخی است منعکس شده است. جهان اسلام امروزه از جهانی‌سازی شدیدترین رنج را می‌برد و این رنج ناشی از این نیست که جهانی‌سازی یک حالت تمدنی طبیعی است که بشریت را از کثرت به وحدت و هم‌بستگی در زمینه‌های گوناگون پیش می‌برد، که چنین چیزی شایسته و بجا بوده و شکی در واقعیت آن نیست، بلکه این رنج ناشی از آن است که غرب تلاش می‌کند با سوار شدن بر ترک این اسب راه آن را به سوی تحقق هدف‌ها و منافع تنگ‌نظرانه مورد نظر خود سوق دهد و زمام همه امور را در دست بگیرد و سلطه نظامی، اقتصادی، فرهنگی و غیره خود را تعریف نماید و این همان خطر بزرگ است که چنان‌چه ما بخواهیم از میراث تمدنی بزرگ خود پاسداری نموده و در ساختن تمدن جهانی شریک باشیم، باید برای مقابله با آن برنامه‌ریزی نماییم. از این رو باید به طور اجمال مفهوم جهانی‌سازی را بشناسیم تا بدانیم چه کاری را باید برای مقابله با چالش‌های آن انجام دهیم.

تعریف جهانی‌سازی

جهانی‌سازی تعریف مبهم و پیچیده‌ای دارد و تعریف‌های ارائه شده برای آن متناقض و گوناگون است و در واقع با شناخت نوع تفسیرها و تعریف‌های ارائه شده برای جهانی‌سازی می‌توان پی برد که جهانی‌سازی تلاش برای نفی تمدن‌های غیرغربی و تحمیل سرمایه‌داری و مدل آمریکایی به سایر تمدن‌ها و زیر سلطه در آوردن جهان از سوی آمریکا است. در این جا به سه مورد از این گونه تلاش‌ها اشاره می‌شود:

۱- در تعریف ارائه شده از سوی کمیته بین‌المللی در سال ۱۹۵۸ جهانی‌سازی دخالت در امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و رفتار سایر جوامع جهانی از طریق الغای مرزها و تابعیت ملی و اقدام‌های دولتی دیگر کشورها دانسته شده است. (مجله‌النهج، ش ۵۰، بهار ۱۹۸۸).

۲- در برخی از تعریف‌های عربی، جهانی‌سازی یک واقعیت تحول سرمایه‌داری در سایه سلطه کشورهای مرکزی و حاکمیت یک سیستم جهانی نابرابر دانسته شده است. تعریف‌های دیگری نیز در زمینه‌های اقتصادی و یا ادبی و یا با توجه به لوازم آن ارائه شده است. (مجله الواحه، ش ۱۶، ص ۱۵۳).

۳- تعریف (روزناو) آمریکایی. وی در تعریف جهانی‌سازی سؤال‌های زیر را مطرح می‌کند: آیا جهانی‌سازی ناشی از تجانس و همانندی است یا تعمیق تفاوت‌ها؟ آیا جهانی‌سازی منابع واحدی دارد؟ آیا جهانی‌سازی فرهنگ واحدی دارد؟ و سرانجام معتقد است سه مطلب با مسئله جهانی‌سازی مرتبط می‌باشد که عبارت است از برچیدن مرزها و برجسته نمودن مشابهت‌های موجود در جوامع بزرگ و تحمیل روش زندگی آنها بر دیگران. (روزناو، دینامیکه المعرفه). از این رو می‌توان گفت جهانی‌سازی در واقع آمریکایی شدن روابط سیاسی و حقوق اجتماعی در سطح جهان و تحمیل فرهنگ سلطه غرب بر دیگران است که این مسئله خطرناک‌تر از اندیشه‌های شیطانی است. جهان غرب با بهره‌گیری از توان تکنولوژی علمی، فرهنگی و نظامی خود این اندیشه را مطرح کرده است و برخی از فلاسفه و نویسندگان نیز تئوری‌های نظری را برای اجرای آن زمینه‌سازی کرده‌اند.

هتنتگتن در نظریه خود بر تمدن غرب تأکید داشته و آن را در زمینه‌های تسامح و انسان‌دوستی و تکثر بر دیگر تمدن‌ها متمایز می‌داند و تمدن‌های غیر غربی را به استبداد و پیروی محض از ارزش‌های گذشته و ناکامی در حل مشکلات انسانی هم‌چون فقر و بی‌کاری و سطح پائین زندگی و زیادی زاد و ولد و دیکتاتوری متهم می‌کند. این نظریه به غرب پیشنهاد می‌کند با دیگر تمدن‌ها همکاری نکند و تکنولوژی خود را به آنها صادر ننماید و کشورهای غربی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اداری با هم وحدت‌سازی نمایند. این تئوری بر این باور است که تمدن غرب بر میراث یونانی و مسیحی غربی، سکولار، قانون‌سالاری، تکثر اجتماعی، جامعه مدنی و حقوق بشر استوار است که این امور بخشی از تمایزهای تمدن غرب به شمار می‌رود و در دیگر تمدن‌ها تحقق نمی‌یابد.

فوکویاما نیز سیستم سرمایه‌داری را هدف و غایت تاریخ می‌داند و بر این باور است که همه جوامع باید به سوی سرمایه‌داری حرکت کنند و شرایط سیاسی و اجتماعی که مهم‌ترین آن ایجاد تحول در ساختار اجتماعی است باید به سوی برابری و عدم قشری‌گری و قومی‌گرایی حرکت نماید و باید تفسیرهای مذهبی مربوط به این تحول را ایجاد نمود و نیز جامعه توسعه‌یافته به ایجاد نهادهای میانه‌رو و اعتدال میان افراد و دولت اقدام کند. وی هم‌چنین خواستار غلو نکردن در برتری و تمایز قومیتی که موجب انزوای تمدنی می‌گردد و نیز تفسیرهای روشن فکری از متون مذهبی، و انتقاد از کلیه حرکت‌های افراط‌گرا و اقدام نخبانان به پشتیبانی از ارزش‌های دموکراسی و آزادی شده است. بنابراین او جامعه سرمایه‌داری را به عنوان یک هدف مطرح می‌کند که همه تمدن‌ها باید به سوی آن حرکت کنند. (العربی، ش ۵۱۲، خمش، ص ۲).

بیدام برایان اندیشمند انگلیسی نیز در سلسله مقالاتی که آنها در مجله اکونومیست در سال ۱۹۹۴ منتشر کرده است بر وجود مشابهت میان وضع اسلامی در قرن پانزدهم هجری و وضع اروپا در قرن پانزدهم میلادی تأکید نموده و بر این باور است که این دو وضع در فراهم آوردن زمینه مناسب برای انجام اصلاحات و در نوع نهادهای مذهبی موجود نزد مسلمانان و نهادهای کلیسا در قرن پانزدهم میلادی و در سطح استعماری که از آن رنج می‌برند و اشتیاقی که برای بهبود اوضاع از خود نشان می‌دهند با هم مشابهت دارند. وی بر این باور است که یک عامل وجود دارد که این وضعیت را تحریک و پشتیبانی کرده است.

غرب امروزه به عاملی برای پیشبرد جهان اسلام به سوی تحول و پیشرفت تبدیل شده است. وی معتقد است این حرکت از سوی اسلام‌گرایان آزاده‌ای که به دموکراسی ایمان دارند آغاز می‌شود و باید برای پشتیبانی این افراد با قدرت حرکت کرد. وی در پایان مقاله‌های خود سه توصیه برای جهان اسلام دارد تا شایستگی تعامل با غرب و وارد شدن در کاروان تمدن انسانی امروزی را پیدا کند:

- ۱- منسجم شدن با اقتصاد نوین؛
- ۲- پذیرش اندیشه برابری مرد و زن؛
- ۳- تلاش در جهت بهره‌گیری از اصول دموکراسی و اجرای آن در سیستم حکومتی. (ر.ک: مجله المنهاج، ش ۲۲، ص ۲۴۸).

و به این ترتیب روند آماده‌سازی برای تئوری جهانی‌سازی و آمریکایی نمودن روش‌های زندگی شامل زمینه‌های کامپیوتری و اینترنتی و ماهواره‌ای و به کنترل درآوردن سازمان‌های بین‌المللی گردیده است. این گونه دستگاه‌ها برای دسترسی به این هدف باید پاسخ مثبت دهند و در غیر این صورت نادیده گرفته می‌شوند و یا با موانعی روبه‌رو خواهند گردید، همان‌گونه که اخیراً شاهد تلاش سازمان ملل متحد برای تشکیل شورایی برای حقوق بشر به جای کمیته بین‌المللی مأمور این مهم می‌باشیم. هر چند که این مسئله تحقق‌بخش شعارهای آمریکا در این باره بوده است ولی به این کشور مجال گسترش نفوذ در آن داده نمی‌شد، از این رو در برابر آن ایستاد. آمریکا با بهره‌برداری از رویدادهای ۱۱ سپتامبر تلاش کرد خود را به عنوان نیروی اول جهان مطرح نماید و سرنوشت سیاسی کشورهای جهان را به کنترل خود درآورد. طراحی این کشور برای به کنترل درآوردن فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و دخالت در قانون‌گذاری‌های اجتماعی دیگر کشورها، نمونه‌ای از این تلاش‌ها است، به نحوی که در کنفرانس‌های خانواده در قاهره، کپنهاگ، مکزیکوسیتی، پکن و غیره شاهد آن بوده‌ایم که آمریکا با شعار حمایت از حقوق بشر در امور قانون‌گذاری‌های اجتماعی دیگر کشورها دخالت می‌نمود. (ر.ک: کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره و پیامدهای آن).

پیامدهای منفی جهانی‌سازی

پیامدهای منفی این اندیشه خرابکارانه برای همه جهانیان آشکار شده است. از این رو اوصاف زیادی هم‌چون جهانی‌سازی دیوانه، جهانی‌سازی تله و چیزی که یا می‌خورد و یا خورده می‌شود برای آن به کار

برده شده است. در تحقیقات گوناگون انجام شده، این پیامدهای منفی یادآوری شده است، که ما در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تسلط و سیطره قدرت‌های بزرگ بر جریان اقتصادی جهانی و منابع تولیدی و مبادلات مالی و تجارت بین‌المللی، تا آن جایی که گفته می‌شود در جهان پانصد شرکت بزرگ وجود دارد که هفتاد درصد حجم تجارت بین‌المللی را در کنترل انحصاری خود دارد و تنها بیست درصد از جمعیت جهان در وضعیت خودکفایی به سر می‌برند، در حالی که هشتاد درصد از جمعیت جهان در وضعیت دریافت کمک و اعانات از دیگر کشورها زندگی را سپری می‌نمایند و از زمان تشکیل سازمان تجارت جهانی تا سال ۲۰۰۵ میانگین سالانه درآمد ایالات متحده آمریکا دست کم دویست میلیارد دلار بوده، در حالی که میزان زبان‌های کشورهای آفریقایی در این سال‌ها سالانه نزدیک به ۲۰۹ میلیارد دلار بوده است.^۱

۲- تسلط آمریکا بر رسانه‌های علمی.

۳- شکستن هیبت و اعتبار کشورهای کوچک و توان توسعه این کشورها.

۴- دخالت در قانون‌گذاری‌های داخلی دیگر ملت‌های جهان، همان گونه که در کنفرانس‌های خانواده و غیره شاهد آن بوده‌ایم.

۵- تهاجم فرهنگی به همه بخش‌های جهان و تلاش برای ریشه‌کنی دیگر فرهنگ‌های موجود در این بخش‌ها و اجرای تطبیق‌های عصر ماورای مدرنیته و الغای نقش دین، به طوری که فیلسوف جاک دریدا خواستار برچیدن نهادهای دینی و آموزشی در کلیه کشورهای جهان شده است. (حموده، ۲۰۰۲).

ما هم‌اکنون شاهد تلاش غرب برای صدور برخی از ارزش‌های خود به عنوان ارزش‌هایی مسلم و بی‌چون و چرا به دیگر کشورهای جهان جهت پای‌بندی به آن هم‌چون دموکراسی و آزادی شخصی و آزادی جنسی هستیم، تا آن جایی که اخیراً مسلک لائیک را به عنوان یک اصل انسانی که نمی‌توان آن را کنار گذاشت مطرح کرده است. و به این ترتیب می‌توان درباره الگوهای اقتصادی غربی در مصرف از دید فرهنگی و نیز درباره تهاجم گسترده و چند بعدی فرهنگی و تلاش در جهت محو هویت‌های ملی و ایجاد هویت‌های مجازی و مصنوعی از طریق رسانه‌های تبلیغاتی گسترده و تأثیرگذار سخن گفت.

۶- کاستن از جایگاه محافل بین‌المللی و بهره‌گیری از آنها به نفع قدرت‌های بزرگ، مانند بهره‌گیری از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و سایر سازمان‌های بین‌المللی به منظور اجرای سیاست‌های مربوط به منافع آنها، به طوری که چندی پیش رئیس یکی از کشورهای غربی اعلام کرد که ناتو و نیروهای غربی به خاطر سوء استفاده آنها از سازمان‌های بین‌المللی بزرگ‌ترین ضربه را به نظم جهانی وارد کرده‌اند.

۱ - استاد میناوندی، به نقل از گزارش شورای ملی تولید و امور اقتصادی (مهر) که در تاریخ ۲۰۰۲/۳/۱۷ ارائه گردیده است.

۷- آلوده کردن محیط زیست توسط قدرت‌های بزرگ برای تأمین منافع مادی خود.
۸- تلاش بی‌وقفه جهت تغییر نقشه سیاسی در برخی از مناطق جهان (هم‌چون منطقه خلیج فارس و منطقه شمال آفریقا و روسیه و تایوان) که احتمالاً به منظور ایجاد یک سایش پیکوی جدید انجام می‌گیرد.
البته پیامدهای منفی زیادی برای جهانی‌سازی وجود دارد که در این‌جا از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

موانع موجود بر سر راه جهانی‌سازی یک‌جانبه‌ای آمریکا

ما اطمینان داریم که آمریکا به رغم امکانات زیادی که در اختیار دارد نخواهد توانست هدف‌های خود را به وسیله پروژه جهانی‌سازی تحقق بخشد، زیرا موانع زیادی در این راه وجود دارد، از جمله:

- ۱- ایستادگی کشورهای بزرگ و ائتلاف‌های جهانی در برابر آن، زیرا جهانی‌سازی با منافع آنها تعارض خواهد داشت؛
- ۲- ایستادگی ملت‌های جهان در برابر طرف‌های مربوط به مسخ هویت آنها و احتمال اشغال کشورهایشان که احتمالاً در بطن این طرح وجود دارد؛
- ۳- بروز بحران‌های جهانی در زمینه‌های گوناگون و به ویژه در زمینه‌های اقتصادی هم‌چون بحران انرژی که احتمالاً همه سیستم جهانی را دچار مشکل خواهد کرد؛
- ۴- عدم امکان ادامه روند آمریکا در به چالش کشیدن سیستم روابط بین‌المللی و نادیده گرفتن نهادهای جهانی، به طوری که جهان را علیه آمریکا حرکت خواهد داد؛
- ۵- افزایش آگاهی جهانی نسبت به وجود این طرح‌ها که موجب افزایش روند مقاومت خواهد شد و امکان تبدیل شدن ابزار مدرن مورد استفاده جهانی‌سازی به ابزاری برای آگاهی بخشی مردم جهان نسبت به وجود این طرح‌ها؛
- ۶- آگاهی مذهبی رو به افزایش ملت‌های جهان که بزرگ‌ترین مانع در مقابل طرح‌هایی است که در صدد محو آن می‌باشند.

جهان‌مداری اسلامی و جهانی‌سازی غربی

ما بیش از پرداختن به اقدامی که امت اسلامی باید در این مورد انجام دهد سعی خواهیم کرد تفاوت‌های موجود میان جهان‌مداری اسلامی و جهانی‌سازی را به طور خلاصه یادآور شویم.
جهان‌مداری اسلامی از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

- دارای جنبه جهانی و اقتناعی است که ایدئولوژی خود را به ملت‌های جهان تحمیل نمی‌کند و تلاش نمی‌کند فرهنگ و روش زندگی دیگر ملت‌ها را سلب کند بلکه در جهت هم‌زیستی و تفاهم با آنها تلاش می‌کند، که چنین چیزی به وسیله متون اسلامی و رویدادهای تاریخی قابل انسجام با این متون تأکید گردیده و هیچ‌گونه اجبار در عقیده و یا مسخ فرهنگی دیگران و یا تفاخرنژادی در آن انجام نمی‌گیرد.

- به دنبال سلب حقوق و چپاول منابع دیگر کشورها نیست.

- برای اشاعه و گسترش مفهوم‌های مربوط به منافع مادی، مانند تعمیق الگوهای مصرفی، تلاش نمی‌کند بلکه میان خطمشی‌های خود و تولید انسانی و نیاز عمومی موازنه ایجاد می‌کند و هرگونه کفر ورزیدن به نعمت‌های خداوندی و ظلم و ستم در توزیع را نفی می‌نماید و هدف آن خوشبختی و کرامت انسان است و اسراف در تولید و توزیع مواد مصرفی را مردود می‌شمارد.

- جهان‌مداری اسلامی در صدد وارد آوردن زیان به افراد و گروه‌ها و یا جوامع نبوده بلکه در جهت اعطای حق به ذی حق بوده و امنیت را در زمینه‌های گوناگون برای همگان فراهم می‌نماید.

- جهان‌مداری اسلامی تلاش نمی‌کند تا سلطه ملتی و یا قشری و یا فردی را بر دیگران تحمیل نماید و با هرگونه دیکتاتوری و برتری‌طلبی مبارزه می‌نماید و آن‌را مظهری از مظاهر طاغوت دانسته و مبارزه با طاغوت را یکی از دو هدف پیامبران در کنار پرستش خداوند در زمین می‌داند.

- جهان‌مداری اسلامی در جهت اشاعه و گسترش ارزش‌های انسانی و اخلاق نیکو به عنوان یک هدف اجتناب‌ناپذیر تلاش می‌نماید.

- تلاش واقع‌بینانه و باصالتی می‌نماید تا بقیه مظاهر انسانی در رفتار شخصی و اجتماعی و بین‌المللی خود تجلی نماید.

- عدالت را از عناصر فطری می‌داند که دین در تحقق آن در همه زمینه‌ها تلاش می‌کند و هر چیزی را که با آن منافات داشته باشد حذف می‌نماید.

- جهان‌مداری تلاش می‌کند تا به دیگران احترام بگذارد و منطق گفت‌وگو را گسترش دهد (لیحیی من حی علی بینة و یهتک من هتک عن بینة؛ به کسانی که خواهان زندگی بر اساس شواهد باشند فرصت زندگی می‌دهد و کسانی را که راه هلاکت را با شواهد در پیش گرفته باشند به هلاکت می‌رساند) و این مسئله نیز جزء اقتضاهای فطرت‌های انسانی است.

- در جهت نشر اصل همکاری و معارفه و استخلاف الهی و همیاری اجتماعی تلاش می‌کند.

- انسان و مرکزیت او را با معیارهای تعهد و کار او ارزیابی می‌نماید.

- میان آزادی‌های فردی و منافع اجتماعی توازن ایجاد می‌کند و سرانجام همه مسائل اجتماعی را بر پایه فلسفه واقع‌گرایانه استوار می‌نماید و خود را به مقتضیات آن و ویژگی‌هایی که در این جا مجالی برای ذکر آن نیست متعهد می‌نماید.

اما جهانی‌سازی غربی در موضع نقیض آن چه گذشت قرار دارد. این جهانی‌سازی، همان‌گونه که قبلاً بیان شده است، دارای ویژگی نفرت فرهنگی و چپاول‌گری یا به گونه وحشیانه و دیوانه‌وار و یا به شکل پیشرفته و مدرن است، و نیز تلاش می‌کند منطق حیوانی مصرفی را در جهان تعمیم دهد و در همه امور دیگر جوامع حتی در زمینه‌های اجتماعی و مدنی آن دخالت می‌کند و هدف آن تحمیل سلطه خود در همه زمینه‌ها بر دیگران است، و هیچ‌گونه جایگاهی برای ارزش‌های اخلاقی قائل نیست بلکه اخلاق را در جهت تحقق اغراض و هدف‌های سیاسی خود به کار می‌گیرد و همان‌گونه که اخیراً در بیانیه

اندیشمندان آمریکایی شاهد آن بوده‌ایم، در فرهنگ آن جایی برای مسائل معنوی وجود ندارد بلکه با همه ابزاری که در اختیار دارد از جمله رسانه‌های تبلیغاتی و آزادی جنسی با آن مبارزه می‌کند و عدالت نیز از نظر آن نسبی است به طوری که باید با منافع تنگ‌نظرانه‌اش سازگار و متناسب باشد و سرانجام منطق کشمکش را به جای گفت‌وگو به طور وحشیانه مطرح می‌کند.

درباره معیار عدالت و ارزیابی نیز هیچ معیاری را جز قدرت و منافع تنگ‌نظرانه خود نمی‌شناسد؛ از این‌رو سیاست یک بام و دو هوا را در تعامل با دیگران به کار می‌گیرد؛ به این معنا که دیگران حق تعامل انسانی را ندارند - طبق نظریه هابز در تقسیم‌بندی جوامع بر اساس مدرنیته - که امروزه در میان اندیشمندان غربی پیروان بیشتری به ویژه در انگلیس و آمریکا پیدا کرده است. و سرانجام، همان‌گونه که گفته شد، جهانی‌سازی غربی از شرایطی که برای خود مناسب می‌بیند بهره‌برداری می‌نماید بی‌آنکه به یک فلسفه واقعی که توجیه‌گر تهاجم وحشیانه اش باشد تکیه نماید.

اوضاع امروز امت اسلامی

امت اسلامی امروزه آثار یک نبرد درازمدت را که ده‌ها و شاید صدها سال ادامه داشت از خود زدوده است، زیرا برخی از گونه‌های اشغال در برخی از مناطق جهان اسلامی همچون اندونزی از سوی غرب بیش از سه قرن ادامه داشته است. و این ملت‌ها طی این مدت رنج‌های بسیار و شکست‌ها و غارت‌های گوناگون و تجزیه جغرافیایی و تاریخی و زبانی و غیره متحمل گردیده و از هدایت دینی محروم بوده و در معرض آموزه‌های لائیک و ستیزه‌جویانه غرب قرار گرفته و در پایان قرن بیستم در اثر غفلت و خیانت و عدم برنامه‌ریزی دچار آسیب‌های فراوان شده‌اند. با این وجود، این امت هم‌اکنون در معرض طرح‌های بزرگ‌تر و خطرناک‌تری قرار گرفته که همه موجودیت فرهنگی و تمدنی آن را هدف قرار داده است. در این وضعیت، امت اسلامی چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟ ما بر این باوریم که وضع الآن مسلمانان شباهت زیادی به وضعیت مسلمانان پس از شکست در جنگ اُحد دارد؛ در آن زمان مردم مسلمان که در معرض دردهای ناشی از جنگ و تفرقه و نفاق و تشکیک در عقیده قرار گرفته بودند خبرهایی از وجود یک طرح شیطنانی به گوششان می‌رسد و قریش را به شروع دوباره جنگ با مسلمانان وا می‌دارد و به آنها خبر می‌دهد که به طور کامل از جنگ احد بهره‌برداری نکرده‌اند. آن‌گاه رهبر مسلمانان، پیامبر از این خبر آگاه می‌شود و مسلمانان شرکت کننده در جنگ اُحد را یک بار دیگر آماده نبرد می‌کند تا جایی که قبیله قریش از این آمادگی با خبر می‌شود و از طرح تجاوز کارانه خود صرف‌نظر می‌کند.

ما باید آن وضعیت و طرح‌های حضرت رسول اکرم ﷺ و آموزه‌های قرآن کریم را در آن زمان بررسی نماییم و از آن برای وضعی که اکنون با آن روبه‌رو هستیم بهره بگیریم.

خداوند متعال شصت آیه از سوره آل عمران را در روز اُحد نازل نمود به طوری که ابن هشام در سیره خود می‌گوید: «فیها صفة ما کان فی یومهم ذلک و معاتبه من عاتب منهم» (ابن هشام، ج ۳، ص ۱۱۲).

خداوند متعال در پی هشدار به مسلمانان نسبت به طرح‌های دشمنان‌شان (آیه‌های ۱۱۸-۱۲۰) درس عبرت‌ها و وقایع جنگ اُحد را به قرار زیر مرور می‌نماید:

- مطرح شدن شایعات از سوی دشمنان در حالی که حضرت رسول اکرم ﷺ مسلمانان را برای نبرد آماده می‌نمود، که این مسئله موجب می‌شود دو گروه از مؤمنان گذشته‌های عقیدتی و عامل توکل بر خداوند توانا را فراموش کرده، و دچار شکست و ناکامی شوند که وعده رسول اکرم آنها را به راه صحیح و رستگاری باز می‌گرداند.

- آموزه‌های قرآنی که ویژگی‌های ایمان امت را مشخص می‌کند و چنان‌چه خود را به آن پای‌بند نمایند پیروز می‌شوند، زیرا این مسئله جزء سنت‌های تاریخی است (آیه ۱۳۷ آل عمران).

- مسئله تقویت معنویت‌ها و این‌که شخص مؤمن متوجه می‌شود که به رغم زخم‌های وارد آمده به بدن او، پیروز و والاتر است و پیروزی و شکست دست خداوند است که هیچ نیرویی توان شکست او را ندارد. و این مسئله برای مؤمنان یک آزمایش و شناسایی و برای کافران زوال و فروپاشی بوده است (۱۳۹-۱۴۰).

- تعرض به نگرش نادرست به کیفیت ارتباط با حضرت رسول اکرم ﷺ، تا جایی که به محض پخش شدن شایعه قتل ایشان مؤمنان دچار ضعف می‌شدند، از این رو بر لزوم ایمان به رسالت و ثابت‌قدمی نسبت به آن تأکید می‌شود و چنین چیزی مقتضای شکر نعمت رسالت است (۱۴۴).

- لزوم حفظ روحیه شور و حماسه و امید و پایداری بر خط ایمان و انتظار وعده الهی و پرهیز از وعده‌های دشمن (۱۴۶-۱۵۱).

- وعده الهی وعده‌ای حقیقی است که مسلمانان هنگامی که به خط او پای‌بند بودند با چشم خود آن‌را مشاهده کردند و هنگامی که صبر و تقوا را که شرط پیروزی بود از دست دادند با آزمایش شکست روبه‌رو گردیدند. (۱۵۲)

- شکست ناشی از حیرت برخی از مسلمانان و عدم فراموشی منافع تنگ‌نظرانه و ابراز شک و تردید نسبت به برنامه رهبری و ترس از مرگ و توجه به وسوسه‌های شیطانی، از این‌رو قرآن کریم یک بار دیگر متون اصلی مربوط به قدرت الهی و وعده‌های پیروزی و معنای مرگ و فرا رسیدن اجل را به آنها یادآوری نموده و آنها را از تخیل‌های جاهلیت برحذر می‌دارد. (۱۵۵-۱۵۸)

- پس از آن، دعوت به سازمان‌دهی وضع موجود و از سرگیری وضعیت طبیعی روابط میان رهبر و امت و چارچوب نرمش و رحمت و نشر مشورت و پذیرش مسئولیت مشترک با حفظ رهبری برای حرکت به سوی اجرای طرح‌های آماده شده در چارچوب توکل به خداوند فرا می‌رسد. (۱۵۹)

- پس از آن، گام حماسی بزرگ فرا می‌رسد که رسول اکرم ﷺ به مسلمانان و به ویژه آنهایی که در جنگ احد شرکت داشتند دستور مجهز شدن جهت مقابله با دشمن مصمم به ریشه‌کنی اسلام، در واقعه‌ای به نام «حمراءالاسد»، صادر می‌نماید تا این‌که قریش متوجه میزان عزم و تصمیم رهبر مسلمانان می‌شود و از تصمیم خود برای حمله به مسلمانان عدول می‌نماید (۱۷۲-۱۷۴).

و به این ترتیب درس‌های تاریخی که مسلمان‌ها باید پیوسته از آن استفاده نمایند ادامه می‌یابد و ما نیز برای مقابله با تهاجم وحشیانه جهانی‌سازی ویران‌گر باید از آن بهره بگیریم.

موضع امت اسلامی و گام‌های عملی لازم در برابر جهانی‌سازی

پیش از تبیین این گام‌ها تأکید می‌کنیم که مخالفت انفعالی با جهانی‌سازی با شکل‌های گوناگون آن بی‌نتیجه خواهد بود، زیرا برخی از گونه‌های جهانی‌سازی دربرگیرنده حالت‌های طبیعی و ترقی‌خواهانه است، بلکه باید تأمل از خود نشان داد و گام‌های عملی و حساب‌شده‌ای را جهت ایستادگی در برابر جنبه‌های منفی این تهاجم جهانی بزرگ برداشت:

اقدام به تهیه یک راهبرد علمی، روشن و فراگیر که اولاً همگی در تهیه آن مشارکت داشته باشند و ثانیاً آن را به اجرا در آورند. همچنین باید نظریاتی را که زمینه را برای این نگرش تخریبی فراهم کرده‌اند فاش نمود.

در مورد راهبرد مورد نظر ما، گام‌هایی را که در این زمینه مهم می‌دانیم مطرح می‌نماییم:

در سطح جهانی

- ۱- روشن نمودن جنبه‌های ایدئولوژی سلطه آمریکا و هدف اصلی از مقوله‌های این بخش (هم‌چون دهکده کوچک جهانی و آزادی بازار و آزادی دخالت در امور دیگران و گشایش مرزها و نظایر آن را)؛
- ۲- برنامه‌ریزی جدی برای جلوگیری از تسلط بازار بر جنبه سیاسی در کلیه مظاهر آن و حذف آن؛
- ۳- تلاش در جهت تعمیق ارزش فطری انسان با ارائه تئوری فطرت اسلامی؛
- ۴- تأکید بر هویت‌های منطقه‌ای و هویت‌های ملت‌های جهان و آگاهی دادن به ملت‌ها جهت حفظ هویت‌ها و فرهنگ‌های خود؛

۶- بالا بردن توان علمی و توسعه‌ای ملت‌ها؛

۷- تلاش برای اعطای آزادی‌ها و حقوق اصلی ملت‌ها؛

۸- تقویت نهادهای بین‌المللی و تعمیق استقلال عمل آنها؛

۹- تعمیق منابع فرهنگی متنوع.

و در چارچوب اسلامی لازم است علاوه بر آن چه گذشت، بر موارد زیر تأکید نماییم:

- ۱- تعمیق تلاش در جهت تقویت نهادهای جهان‌شمول اسلامی و فعال نمودن آن در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛

۲- ایجاد تحول در مطالعات منطقه‌ای و جهانی و توجه به تاریخ؛

- ۳- تقویت کلیه عوامل پایداری و همکاری و وحدت هم‌چون مسئله آموزش و فراگیری زبان عربی و تعمیق آن و احیای معنویت‌ها در دل‌ها که وجه تمایز ما و دشمنان ما است و خداوند متعال در سوره نساء (آیه ۱۰۴) می‌فرماید:

«وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنِ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُونَ كَمَا تَأْمُونُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ

وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ سستی نکنید، اگر شما در رنج باشید آنها نیز مانند شما در رنج هستند و حال آن که شما به خدا امید دارید، آن چه را که آنها به آن امیدی ندارند و خدا بسیار دانا و حکیم است.»

۴- بازگرداندن حالت طبیعی رهبری اسلامی و روش تعامل آن با امت در چارچوب نرمش و محبت؛
۵- از سرگیری تعمیق ارزش‌ها در دل‌های امت درباره زندگی و مرگ و تمدن و نوع ارتباط با خداوند متعال و ایمان به قدرت او و توکل بر او و بدون تعرض به یک‌دیگر و سرانجام باید دل‌ها و آگاهی و احساسات خود را به رنگ قرآن کریم و آیات آن از جمله آیات سوره آل عمران که بدان اشاره شد در آوریم و تحت تأثیر طرح‌های جهانی‌سازی مربوط به آموزش قرار نگیریم و از افراطی‌گری سطحی و قشری و تکفیری متهورانانه پرهیز نماییم.

میان‌روی اسلامی بیان دقیقی از توازن حکیمانه اسلامی است، از این‌رو باید نخست کشف شود و سپس در دل‌ها تعمیق گردد؛

۶- گسترش روحیه مشورت در همه معانی آن در جامعه خود؛

۷- اجرای دقیق مواد اعلامیه حقوق بشر اسلامی؛

۸- انجام هرگونه اقدام لازم جهت تبدیل تهدیدهای گوناگون به فرصت‌ها، همان‌گونه که در آیات گذشته سوره آل عمران و به ویژه در این گفته خداوند آمده است: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّخَذُوهُمْ قَزَآءَهُمْ إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آنها گفتند لشکر بسیاری علیه شما فراهم شده پس از آنان بر حذر باشید بر ایمانشان افزوده شد و گفتند خدا ما را کفایت است و نیکو مددی است» (آل عمران/۱۷۲)؛

۱۰- آموختن اصالت و نوگرایی و اجتهاد جمعی و ترویج هرگونه اقدامی که به ایستادن در برابر این حمله جهانی بزرگ منجر شود؛

۱۱- حمایت از مسئله بیداری اسلامی؛

و سرانجام نباید فراموش کرد که به موازات آن جهانی‌سازی بزرگ، یک جهانی‌سازی دیگر نیز هم‌اکنون در حال گسترش است و آن عبارت است از سمت و سوی جهانی به توسعه معنویات و روح دین‌داری نزد ملت‌های جهان و تفاهم میان رهبران مذهبی و به‌ویژه در جهان اسلام که فهم همه جانبه اسلام مورد توجه قرار گرفته است؛ فهمی که این امت را در جایگاه تمدنی مطلوب خود قرار می‌دهد. ما بر این عقیده‌ایم که مظاهر این سمت و سوی جهانی روز به روز ریشه‌دارتر می‌گردد. موارد زیر بر این مطلب گواهی می‌دهد:

۱- حرکت شیفته‌وار توده‌های مردم در جهان اسلام به سوی دین‌داری و درخواست از علمای دینی برای دخالت مستقیم در زندگی عمومی مردم و ابراز نظر در مسایل عاجل آنها؛

۲- تحکیم نقش کلیسا در مسایل سیاسی و اجتماعی در جهان مسیحی و به ویژه در کشورهایی که پس از فروپاشی شوروی تشکیل یافته‌اند و آزادسازی نیروی مذهبی بودایی در اتخاذ تصمیمات اجتماعی در جنوب آسیا؛

- ۳- افزایش اقبال مردم به نظریات و کتاب‌های دینی؛
- ۴- توجه اخیر سازمان ملل متحد به رهبران مذهبی، همان‌گونه که در کنفرانس‌های نیویورک و بانکوک شاهد آن بوده‌ایم؛
- ۵- گسترش گفت‌وگو میان ادیان و مذاهب گوناگون، از این‌رو روحانیون این ادیان باید به وظیفه خود در پشتیبانی از این روند رو به افزایش عمل نمایند.

منابع و مأخذ

۱. ابن هشام، عبدالملک، *سیره ابن هشام*، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۵.
۲. تسخیری، محمدعلی، *کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره و پیامدهای آن*.
۳. حموده، عبدالعزیز، *الثقافه - اختیار الثقافه القومیه*، مصر، ۲۰۰۲.
۴. روزناو، جیمس، *دینامیکه المعرفه*.
۵. العربی، ش ۵۱۲.
۶. مجله المنهاج، بیروت، ش ۲۲، سال ششم.
۷. مجله النهج، ش ۵۰، بهار ۱۹۸۸.
۸. مجله الواحه، ش ۱۶.

